

شماره کارت:

ترجمه و برداشتی
از
قرآن مجید

جزوه بیست و هفتم

ترجمه و برداشت از: استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ

وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِيمَا عَلَىٰ

بِسْمِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِداءُ

«پیشگفتار»

این جزوی با موضوع بندی مسئله «ترزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه‌ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه‌ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل ترکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل ترکیه نفس است در این جزوی آورده شده است.

ضمانت نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می‌نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبیر بیشتری در قرآن و توجه دوستان به سخنان حضرت حق جل و علا یادآوری شده است.

تا انشاء الله سالکین الى الله با تأمل زیادتری موفق به قرائت قرآن گردند. و ضمانت آیاتی که در این جزوی قرائت می‌شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیاتی که مربوط به ترکیه نفس است را پشت سرهم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوی آورده شده است و بعدها سائر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزویات جداگانه‌ای آورده خواهد شد انشاء الله.

به امید موفقیت والسلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٤٢-٢٣ از سوره یوسف

وَرَأَوْدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْثَ

لَكَ قَالَ مَعَادَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَى إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (٤٢)

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذِلِكَ لِنَضْرِفَ

عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (٤٣) وَأَسْتَبَقَ الْبَابَ

وَقَدَّتْ قَبِيْصَهُ مِنْ دُبْرٍ وَالْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ

أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابُ الْيَمِّ (٤٤) قَالَ هِيَ زَاوِدَتْنِي

عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَبِيْصَهُ قُدَّ مِنْ قُبْلٍ فَصَدَقَتْ

وَهُوَ مِنَ الْكَادِبِينَ (٤٥) وَإِنْ كَانَ قَبِيْصَهُ قُدَّ مِنْ دُبْرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ

مِنَ الصَّادِقِينَ (٤٦) فَلَمَّا رَأَى قَبِيْصَهُ قُدَّ مِنْ دُبْرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ

كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (٤٧) يُوْسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَأَسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ

كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (٢٩) وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ أَمْرَأَ الْغَزِيزِ

تُرَاوِدُ فَتِيمَهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَّفَهَا حَبَّا إِنَّا لَنَرِيهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٣٠)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ أَغْتَدَتْ هُنَّ مُتَكَبِّرِينَ وَ أَتَتْ كُلَّ

وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَ قَالَتِ آخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ

قَطَّعْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (٣١)

قَالَتِ فَذِلِكُنَّ الَّذِي لُمْتَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ زَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمْ

وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعُلْ مَا أَمْرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَنَا مِنَ الصَّاغِرِينَ (٣٢) قَالَ

رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَى مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَضَرِّفْ عَنِّي

كَيْدَهُنَّ أَصْبَرْ إِلَيْهِنَّ وَ أَكْنَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (٣٣) فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ

فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٣٤) ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ

مَا رَأَوْا أَلْآيَاتِ لَيُسْجِنَنَهُ حَتَّىٰ حِينٍ (٣٥) وَ دَخَلَ مَعَهُ الْسِّجْنَ فَتَيَانٌ

قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ حَمْرًا وَ قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي

أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الْطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرِيكَ

مِنَ الْمُحْسِنِينَ (٣٦) قَالَ لَا يَأْتِيْكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأْتُكُمَا

بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيْكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلِمْنِي رَبِّيَ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ

قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (٣٧) وَ أَتَّبَعْتُ مِلَّةَ

أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ

شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يَشْكُرُونَ (٣٨) يَا صَاحِبِ السِّجْنِ إِذْ بَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ مِنْ اللَّهُ الْوَاحِدُ

الْقَهَّارُ (٣٩) مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُوْنِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَيَّتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ أَبْأَوْكُمْ

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمْرًا لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَيَّاهُ

ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٤٠) يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَمَا

أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ حَمْرًا وَ أَمَّا الْآخَرُ فَيَضْلُبُ فَتَأْكُلُ الظَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ

الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانٌ (٤١) وَ قَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٌ مِنْهُمَا أَذْكُرْنِي

عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسِيَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضُعْ سِنِّينَ (٤٢)

٤٢-٢٣ آیات توجمۀ آیات

و زنی که یوسف در خانه او بود، از او درخواست رابطه کرد و درها را بست و گفت: برای تو مهیا است. یوسف گفت: پناه بر خدا، قطعاً عزیز مصر (شوهرت) پرورش دهنده من است،^(۱) جای خوبی به من داده است. قطعاً ستمکاران رستگارنی گردند. (۲۳) ولی او قصد یوسف را نمود و یوسف هم اگر دلیل وجود پروردگارش را نمی دید و نمی دانست، قصد او را می نمود. این گونه بود، برای اینکه مابدی و فحشاء را از او بگردانیم، زیرا قطعاً او از بندگان خالص ما بود. (۲۴)

و هر دو به طرف در می دویدند و پیراهن یوسف را از پشت پاره کرد که آنها آقای آن خانم را در کنار درناگهان یافتند. زلیخا گفت: جزای کسی که به همسر تو قصد بدی داشته باشد، جز آنکه زندانی شود و یا عذاب در دنای کی داشته باشد، چیزی نخواهد بود. (۲۵)

یوسف گفت: او از من می خواست که با او ارتباط داشته باشم و شاهدی از اهل خانه زلیخا شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده، زلیخا راست می گوید و یوسف از دروغگویان است. (۲۶) و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده، زلیخا دروغ می گوید و یوسف از راستگویان است. (۲۷) وقتی که آن آقا دید که پیراهن یوسف از پشت پاره شده، گفت: این از حیله شما زنها است و قطعاً مکر شما بسیار بزرگ است. (۲۸)

یوسف! تو از این حریان بگذر. زلیخا! تو هم برای گناهت طلب بخشش کن، زیرا تو قطعاً از خطکاران بوده‌ای. (۲۹)

و زنها که در شهر بودند، گفتند: زن عزیز از جوانی که در اختیارش بوده، درخواست رابطه کرده. قطعاً دلش از محبت او پر شده. ما که او را در گمراهی آشکاری می بینیم. (۳۰) پس وقتی زلیخا مکر آنها را شنید، دعوتی برای آنها فرستاد و برای آنها پشتی (دور اتاق) که تکیه کنند آماده کرد و برای هر یک از آنها چاقوئی آورد و به یوسف گفت که بر آنها وارد شود. وقتی زنها او را دیدند، او را خیلی بزرگ دانستند و دستهای خود را با چاقو ببریدند و گفتند: حاش لله، اینکه بشر نیست. این جز یک فرشته‌ای بزرگوار چیز دیگری نیست. (۳۱)

زلیخا گفت: این است کسی که مرا درباره او ملامت می کردید و قطعاً من بودم که می خواستم با او رابطه برقرار کنم و او خود را نگه داشت و اگر او آنچه را که من به او دستور می دهم عمل نکند، قطعاً به زندان می افتد و قطعاً خوار و ذلیل خواهد شد. (۳۲)

یوسف گفت: پروردگار من، زندان برای من محبوب‌تر از آن چیزی است که اینها مرا به سوی آن دعوت می کنند و اگر حیله آنها را از من نگردانی، من به طرف آنها تمایل پیدا می کنم و از جاهلان

۱- بعضی از مفسرین گفته‌اند منظور از کلمه «آنه ربی» خدای تعالی است ولی با ترجمه «اکرمی مثواه» که در آیه ۲۱ آمده است معنایی که در ترجمه گفته شده تقویت می شود.

خواهم شد. (۳۳)

پروردگار او دعايش را مستجاب کرد و حیله زنها را از او برگرداند. قطعاً خدا همان شنواي دانا است. (۳۴)

سپس با آنکه برای آنها در یوسف نشانه های خوبی و پاکی ظاهر شد، در عین حال تصمیم گرفتند که او را تا مدتی زندانی کنند. (۳۵)

و با او دوجوان نیز به زندان وارد شدند. یکی از آنها گفت: من خود را در خواب می دیدم که انگور را می فشارم تا خمر شود و دیگری گفت: من در خواب خود را می دیدم که بالای سرم نانی گذاشتہام و پرندهگان از آن می خورند. تعبیر خوابمان را به ما بگو، چون ما تو را از نیکوکاران می بینیم. (۳۶)

یوسف گفت: غذائی برایتان نمی آورند که آن را بخورید، مگر قبل از آنکه برای شما بیاورند، تعبیر خواب شما را برایتان خواهم گفت. این از علمی است که پروردگارم به من آموخته است. قطعاً من دین و ملت قومی را که به خدا ايمان ندارند و آنها به آخرت کافرونده، ترك کرده‌ام. (۳۷)

و پیروی نموده‌ام دین و ملت پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را. برای ما این اجازه داده نشده که چیزی را برای خدا شریک قرار دهیم. این از فضل الهی است برای ما و برای مردم، ولی اکثر مردم شکرگذار نیستند. (۳۸)

ای دورفیق زندانی من، آیا خدایان متفرق بهتر است یا خدای یکتای قهار؟ (۳۹)

آنچه عبادت می کنید، غیر خدا چیزی جز نشانه هائی که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید نمی باشد، خدا برای آنها سلطه‌ای نازل نکرده، حکومت تنها مال خدا است، امر فرموده که عبادت نکنید مگر او را، این دین محکم و پابرجائی است ولی اکثر مردم نمی دانند. (۴۰)

ای دورفیق زندانی من، اما یکی از شما پس ساقی شراب برای اربايش خواهد شد. اما دیگری به دار آویخته می شود و از سرش پرندهگان می خورند. موضوعی را که درباره آن از من نظرخواهی می کردید قطعی است و انجام می شود. (۴۱)

و یوسف به کسی از آن دو نفر که گمان می کرد نجات پیدا می کند، گفت: مرا نزد اربابت یاد کن. ولی شیطان این یادآوری را که باید نزد اربايش داشته باشد از یاد او برد. پس باز هم در زندان سالهای باقی ماند. (۴۲)

برداشت از آیات ۲۳ - ۴۲

سالک اللہ باید به مسائل زیر که از این آیات استفاده می شود توجه داشته باشد:

اول: در مرحله صراط مستقیم آنچنان خود را بسازد که اگر لذت بخش ترین گناهان برای او آماده گردد، اعتنا نکند و بلکه از آن فرار کند. چنانکه حضرت یوسف ﷺ انجام داد.

دوم: سالک الى الله باید در مرحله صراط مستقیم حرکت کند و هوای نفسش را زیر پا بگذارد و خدا را منظور نماید و حق نمک مری خود را ادا کند و بداند که ظالم به هیچ وجه موفق نمی شود.

سوم: ارزش سالک الى الله در این است که تمایل جنسی در او باشد ولی آن را برای خدا و پاکی نفس خود کنترل نماید.

چهارم: سالک الى الله باید بکوشید تا می تواند خود را در معرض تهمت قرار ندهد و اگر تصادفاً متهم شد، بداند که خدای تعالی به هر وسیله ای که باشد اورا از اتهام دیگران نجات می دهد. چنانکه حضرت یوسف علیہ رانجات داد.

پنجم: سالک الى الله باید از مردمان تهمت زنده و مگار ولو به زندان بیفتند، دوری کند و با آنها زندگی نکند.

ششم: سالک الى الله باید به هر وسیله ای که هست و در هر کجا که میسر باشد، دیگران را به راه راست هدایت کند و از شرک و بت پرستی دوری نماید.

هفتم: سالک الى الله باید کوشش کند که در تمام امور از خدا کمک بخواهد و متولّ به دیگران نشود.